روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir - پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۵۷ ■ پنج شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱۱ مه ۲۰۰۶

آبادان	+۲۹+۳۷	بیرجند	+۱۹+۳۲	سنندج	+۱۹+۳۱	همدان	+۱۱+۲۳
اراک	+۱۲+۲۶	تهران	+۱۶+۲۸	شهرکرد	+۱۲+۲۰	یاسوج	+۱۹+۳۱
اردبیل	+۹+۱۶	تبریز	+۱۲+۲۲	شیراز	+۲۰+۳۳	یزد	+۲۰+۳۲
ارومیه	+۹+۲۵	خرم‌آباد	+۱۳+۲۲	قزوین	+۱۲+۱۶	دبی	+۲۷+۴۰
اصفهان	+۱۴+۳۱	رشت	+۱۲+۱۸	کرمان	+۲۱+۳۱	نجف	+۲۵+۳۶
اهواز	+۲۴+۳۸	زاهدان	+۲۳+۳۵	کرمانشاه	+۱۱+۲۳	مکه	+۲۷+۴۱
ایلام	+۱۹+۲۹	زنجان	+۱۰+۲۴	کاشان	+۱۴+۲۹	مدینه	+۲۴+۳۸
بجنورد	+۱۷+۲۸	زابل	+۲۷+۴۰	کیش	+۲۸+۳۴	لندن	+۱۰+۲۱
بندرعباس	+۲۶+۳۷	ساری	+۱۷+۲۱	گرگان	+۱۶+۲۹	پاریس	+۱۰+۲۴
بوشهر	+۲۹+۳۰	سمنان	+۱۷+۳۱	مشهد	+۱۵+۳۲	استانبول	+۱۱+۱۹

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۱ اذان مغرب ۱۹:۱۶ اذان صبح فردا ۳:۳۰

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

آوای ایرانی	چهار	۱۴/۳۰
سینمایی «اسپارتی»	چهار	۱۵/۳۰
سریال اولتیمو (تکرار)	پنج	۱۹/۰۰
سینمای قتل کلاغ‌ها	سه	۲۲/۳۵
سریال عکاسخانه	دو	۲۱/۵۰
سینمای شهر پسر	یک	۲۲/۰۰
سریال اتاق جنایت	پنج	۲۳/۱۰

تلویزیون فردا

سینمای «نسخه خطی»	یک	۱۶/۰۰
سریال رقیبان شرلوک هلمز	چهار	۱۶/۰۰
سینمایی «یک داستان ایتالیایی»	دو	۱۸/۰۰
سریال پای پیاده	پنج	۱۹/۰۰
سریال پاندروسا	دو	۲۰/۰۰
چارلی و کارخانه شکلات‌سازی	چهار	۲۰/۳۰
سریال گنجینه معبد	سه	۲۰/۱۵
سریال «من به اضافه دشمن»	یک	۲۲/۰۰
سریال پشت پرده مه	پنج	۲۳/۰۰
سینمایی پل رودخانه کوای	سه	۲۲/۳۰

سینمای امروز

ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)

قدس- ایران۳- فلسطین ۱- مرکزی ۲- جی۱- جوان ۱- گلریز ۲- حافظ- میلاد- صحرا.

هوو (علیرضا داوودنژاد)

عصر جدید ۱- مرکزی ۳- جی۳- سعدی- پارس- شیدا.

آتش بس (تهمینه میلانی)

فرهنگ ۱- آفریقا- ایران۱- عصرجدید ۲- پارس۱- گلریز۱- آسیا- بهمن ۲- قیام- جوان۲- پیروزی- المپیا- تهران۱- سپیده ۱- شاهد- ماندانا- پایتخت- ناهید.

چند می گیری گریه کنی (شاهد احمدلو)

استقلال- جمهوری- بلوار- آستارا- کارون- بهمن۱- شاهد- فردوسی- مرکزی۱- دهکده- سروش- ملت- پیوند- تهران ۲.

مربای شیرین (مرضیه برومند)

فرهنگ۲- سپیده ۲- فلسطین۳ شهر تماشا۲- کانون- اروپا- شیرین.

تجسمی امروز

نمایشگاه نقاشی محسن وزیری مقدم
نگارخانه دی ـ ۸۸۷۰۰۸۴۹

نمایشگاه نقاشی منوچهر منصور دهقان
نگارخانه ممیز ـ ۸ ـ ۸۸۳۱۰۴۵۷

نمایشگاه طراحی جلال متولی
نگارخانه افزند ۸۸۰۱۲۳۳۴

نمایشگاه کاریکاتور عقیق کیوانی
فرهنگسرای هنر ۲۲۸۷۲۷۱۸

نمایشگاه نقشه های جغرافیایی مرحوم سحاب
نگارخانه ثروت ۸۸۷۹۸۷۰۷

نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه شیشا ۶۶۷۰۷۶۸۱

نمایشگاه نقاشی منوچهر صفرزاده
گالری گلستان ۲۲۵۴۱۵۸۹

نمایشگاه نقاشی احمد اسفندیاری
گالری هما ۲۲۰۵۵۶۲۹

نمایشگاه عکس گروهی
نگارخانه لاله ۸۸۹۶۰۴۹۲

تئاتر امروز

دشمن مردم (اکبر زنجانپور)
سالن اصلی تئاتر شهر ـ ۱۹/۰۰

تیغ و ماه (آتیلا پسیانی)
سالن چهارسو تئاتر شهر ـ ۲۰/۰۰

درام های زندگی (بابک محمدی)
فرهنگسرای نیاوران ـ ۱۹/۰۰

فرهنگ

تئاتر

یک هفته با ایبسن

همایش یکصدمین سالمرگ هنریک ایبسن- درام‌نویس نروژی- از دیروز با حضور اهالی تئاتر و پژوهشگران ایبسن‌شناس در تئاتر شهر آغاز به کار کرد. این همایش همزمان در خانه هنرمندان ایران مجموعه تئاتر شهر، خانه کوچک تئاتر، دانشگاه هنر و معماری، خانه تئاتر و صدا و سیما برگزار می‌شود. در نشست امروز داریوش مهرجویی کارگردان فیلم سارا درباره گذار نمایشنامه به فیلمنامه (از خانه عروسک تا فیلمنامه سارا) صحبت می‌کند و فیلم سارا به نمایش درمی‌آید. روز جمعه نیز دکتر بهزاد قادری و دکتر نینا زنجانی درباره ایبسن و فردوسی سخنرانی می‌کنند و تله‌تئاتر «دشمن مردم» اثر هنریک ایبسن محصول نروژ به نمایش درمی‌آید. ایبسن و ترجمه و نشست و گفت‌وگو با حضور مترجمان آثار ایبسن در ایران از دیگر برنامه‌هایی است که در خانه هنرمندان برگزار می‌شود. در روزهای بعدی این همایش تله‌تئاترهایی از ایبسن، محصول نروژ؛ تله‌تئاتر «مرغابی وحشی»، تله‌تئاتر «خانه عروسک»، تله‌تئاتر «استاد معمار»، تله‌تئاتر «روسمر سهلم» و تله‌تئاتر «تروی ویگن» نمایش داده می‌شود. «هنریک ایبسن» نمایشنامه‌نویس بزرگ نروژی چهره‌ای نام آشنا برای خانواده تئاتر ایران است... او نه تنها برای سرزمین خود بلکه برای زمینیان می‌نوشت. بی‌شک «هنریک ایبسن» یکی از قلل مرتفع و پوشیده از برف ادبیات نمایشی است که محیط و دنیای پیرامون خود را به خوبی شناخته و سرافرازانه محیط و دنیای پیرامون را به نقد و مکاشفه کشانده و حقایق پنهان و پیچیدگی‌های روانی و اجتماعی را به زیبایی به صحنه کشانده است. این جملات بخشی از پیام اردشیر صالح‌پور دبیر برگزاری همایش ایبسن است.

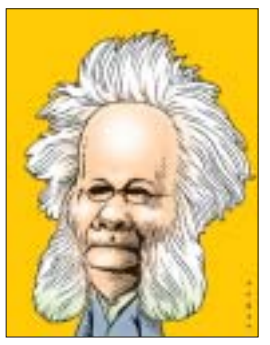

■ ویرجینیا وولف و قدم‌زدن روی ابر با چشمان بسته

«قدم‌زدن روی ابر با چشمان بسته» نام نمایشی است که محمد چرمشیر با نگاهی به زندگی ویرجینیا وولف نوشته و آروند دشت‌آرای کارگردانی کرده است. این نمایش بازخوانی یادداشت‌های روزانه ویرجینیا وولف است که گروه ویرگول اجرا می‌کنند. هدی ناصح در این نمایش در نقش ویرجینیا وولف بازی می‌کند، رضا بهبودی میهمانی از گروه تئاتر لیو است که در نقش پستچی، مرد و کشیش ایفای نقش می‌کند، ستاره پسیانی از گروه تئاتر بازی و رزیتا فضایی از گروه تئاتر سایه از دیگر بازیگران میهمان گروه ویرگول در این اجرا هستند. امیرجنائی، آناهیتا و انوشه دشت‌آرای از دیگر بازیگران این اجرا هستند «قدم زدن روی ابر با چشمان بسته» از ۲۹ اردیبهشت هر روز جز شنبه‌ها ساعت ۱۸ در تالار قشقایی روی صحنه می‌رود.

خبر روز

بالاخره انتخابات اتحادیه ناشران

حمیدرضا ابک: بالاخره قرار شد انتخابات هیات‌مدیره اتحادیه صنف ناشران و کتابفروشان تهران برگزار شود. اتحادیه ناشران تهران مهمترین نهاد صنفی در حوزه نشر در سرزمین ما بوده است، اما منتقدان این مجموعه معتقدند، برخی مشکلات باعث شده بود در سال‌های اخیر فعالیت‌های این نهاد یا کمرنگ‌تر شود یا کمتر به چشم بیاید. اما قدرمسلم این است که تحت هر شرایطی، تقویت اتحادیه ناشران، مهمترین ابزار و وسیله ممکن برای ارتقای کمی و کیفی در حوزه صنعت نشر است. به همین خاطر است که شاید باید عاجزانه از همه موافقان، منتقدان و بیطرفان فعالیت‌های اتحادیه ناشران دعوت کرد که این انتخابات را جدی بگیرند و شرکت در آن را جزء اولویت‌های کاری‌شان در روز برگزاری انتخابات قرار دهند. آنچه در پی می‌آید، متن فراخوان اتحادیه از اعضای صنف است: بدین‌وسیله از کلیه اعضای محترم صنف ناشران و کتابفروشان تهران دعوت می‌گردد با در دست داشتن اصل پروانه کسب یا فتوکپی پروانه کسب و یا کارت عضویت عکس‌دار اتحادیه از ساعت ۱۰ لغایت ۱۴ روز دوشنبه ۸۵/۳/۱ جهت شرکت در انتخابات هیات‌مدیره صنف فوق‌الذکر، شخصاً به نشانی: خیابان خواجه نصیرطوسی، شورای مرکزی اصناف کشور، پلاک ۲۲۷ مراجعه و نام ۵ نفر از کاندیداهای موردنظر خود از میان ۱۲ کاندید نامبرده در ذیل این ورقه را انتخاب کنید. لازم به تذکر است که براساس ماده ۱۳ آئین‌نامه انتخابات اتحادیه‌های صنفی دادن وکالت و اعزام نماینده ممنوع است. اسامی کاندیداهای هیات‌مدیره: ۱- مرتضی احمدآخوندی ۲- محمدرضا بهمن‌پور شیرازی ۳- نورالله پیراینده ۴- ناصر تبریزی ۵- بابک تختی ۶- محمدعلی جعفریه مطبعه‌چی ۷- زهره حسین‌زاده‌گان ۸- علیرضا رمضانی ۹- سیدحسن کیائیان‌موسوی ۱۰- جعفر همایی ۱۱- سیدرضا یکرنگیان.

سینما

به رنگ ارغوان، در انتظار خبرهای خوشحال‌کننده

اگرچه همچنان از نمایش داده شدن فیلم به رنگ ارغوان ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا خبری نیست اما سیدجمال ساداتیان به خبرنگار شرق می‌گوید که همچنان امیدوار است این فیلم امکان نمایش عمومی پیدا کند. به ساداتیان گفته‌اند که مشکلات این فیلم حل می‌شود، با این وضعیت ساداتیان می‌گوید: با این حساب ما منتظر شنیدن خبرهای خوشحال‌کننده‌ای درباره فیلم به رنگ ارغوان هستیم. تهیه‌کننده فیلم به رنگ ارغوان می‌گوید: برای حل مشکلات این فیلم ما با همه مسئولان در تماسیم تا بتوانیم بالاخره این فیلم را نمایش دهیم. در حالی که در ماه‌های اخیر برخی از فیلم‌ها توانسته‌اند امکان نمایش عمومی پیداکنند، ولی هنوز فیلم به رنگ ارغوان ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا به نمایش در نیامده است. حاتمی‌کیا در گفت‌وگویی که پیش از این با روزنامه شرق داشت گفته بود که دوست دارد هر چه زودتر این فیلم از حصار خود خارج شود و این خلاصی برایش اهمیت بسیاری دارد.

■ نمایش عبور از غبار پس از سال‌ها

شش فیلم بلند سینمایی از آثار سینمای ایران در نخستین جشنواره بیماری‌های خاص در بخش مسابقه به نمایش درمی‌آیند. در این جشنواره که از ۲۵ تا ۲۹ اردیبهشت ماه برگزار می‌شود فیلم‌های سینمایی جای او دیگر خالی نیست (به کارگردانی مهرداد خوشبخت)، داستان پاییزی (اسماعیل فلاح‌پور)، قلب‌های ناآرام (مجید مظفری)، اتانازی (رحمان رضایی)، بمب ساعتی (حسن رستگار) و اشک و لبخند (شاپور قریب) در بخش مسابقه به نمایش درمی‌آیند و فیلم عبور از غبار به کارگردانی پوران درخشنده نیز در بخش خارج از مسابقه حضور دارد. همچنین دو فیلم خارجی هدیه نیکلاس به کارگردانی رابرت مارکوز و به گاتاگا خوش آمدید ساخته اندرو نیکول در بخش فیلم‌های خارجی جشنواره به نمایش درمی‌آیند. نخستین جشنواره فیلم بیماری‌های خاص از ۲۵ تا ۲۹ اردیبهشت ماه در فرهنگسرای خانواده واقع در نارمک، میدان هلال احمر برگزار می‌شود.

■ مورگان فریمن در ضیافت عشق

مورگان فریمن هنرپیشه مطرح سینما آمادگی خود را برای بازی در فیلم «ضیافت عشق» اعلام کرد. این هنرپیشه سیاه‌پوست که در زمره بازیگران توانای جهان جا دارد موافقت کرد که برای بازی در فیلم «ضیافت عشق» در برابر دوربین رابرت بنتون قرار گیرد. این اثر براساس کتاب چارلز باکستر ساخته می‌شود و تهیه و تولید آن بر عهده استودیو لاکشور است. «ضیافت عشق» شرح حال گروهی از دوستان در ایالت اورگان را روایت می‌کند که در زندگی به عشق دست می‌یابند. مورگان فریمن در این فیلم نقش پروفسور فلسفه، هری اسکات را بازی می‌کند. این هنرپیشه بی‌تردید در زمره پرکارترین بازیگران سینما جا دارد، چرا که در ۱۲ ماه آینده هشت فیلم را آماده اکران خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به «قرارداد» و «آخرین پرچم به اهتزاز درآمده» اشاره کرد.

ادبیات

دو مجموعه از حسن حسینی به انتخاب امین‌پور

«در ملکوت سکوت» و «از شرابه‌های روسری مادرم» از سیدحسن حسینی منتشر شده و مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل» این شاعر به چاپ پنجم رسیده است. به گزارش ایسنا «در ملکوت سکوت» که بخشی از شعرهای چاپ‌نشده و شعرهای سپید سیدحسن حسینی است، با انتخاب نهایی قیصر امین‌پور و مقدمه این شاعر، توسط انتشارات انجمن شاعران ایران به‌چاپ رسیده است. «از شرابه‌های روسری مادرم» هم مجموعه دیگری از شعرهای سپید او درباره حضرت فاطمه(س) است که توسط امین‌پور انتخاب شده است. این اثر نیز توسط نشر یادشده در روزهای پایانی نمایشگاه عرضه خواهد شد. مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل» که شامل شعرهای سروده شده حسینی از سال ۶۳ تا ۶۴ است، توسط نشر افق به چاپ پنجم رسیده است.

تجسمی

نمایشگاه ایرانی هنر قرآنی در مغرب

نمایشگاه «هنر قرآنی، تجربه ایران معاصر» روز جمعه هشتم اردیبهشت‌ماه با حضور محمد مسجدجامعی سفیر جمهوری اسلامی ایران در مغرب، حسن اورید مشاور پادشاه و استاندار مکناس، جمعی از مقامات محلی، هنرمندان، دانشگاهیان، فرهنگیان و اندیشمندان مغربی و همچنین چند تن از هنرمندان ایرانی در مهمترین شهر مکناس به‌نام «باب منصور» افتتاح شد. این نمایشگاه با همکاری مشترک سفارت جمهوری اسلامی ایران در رباط، مرکز طارق بن‌زیاد مغرب، موزه ملی قرآن‌کریم ایران و مجموعه بین‌المللی قرآنی شهر کتاب در تهران برگزار شد. این نمایشگاه از روز جمعه ۸ اردیبهشت تا سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت در شهر مکناس و از روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت تا شنبه ۱۶ اردیبهشت در شهر «الراشدیه» مغرب دایر شد. در نمایشگاه هنر قرآنی ۵۰ تابلو خط و تعداد زیادی از کارهای هنری همچون تذهیب، منبت‌کاری و... در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت. هنرمندان ایرانی حاضر در این نمایشگاه عبارت بودند از: علی شیرازی، محسن آقامیری، مهدی طوسی، محمد فدوی، محمدتقی حق‌بین، فریبا مقصودی و مهیندخت سالک‌مهدوی.

نگاه طراح

ظاهر مردانه

فیروزه مظفری

علی‌آبادی، فوتبالیست‌ها باید با ظاهر مردانه در میدان حاضر شوند.

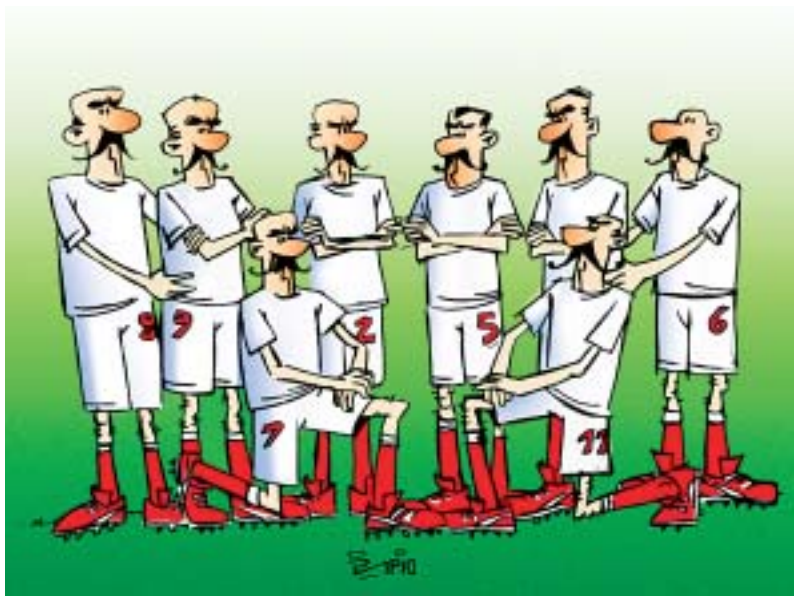

در فضیلت زمان و مکان

جعفر مدرس صادقی

نمی‌دانم چه وسوسه‌ای است که هرساله باعث می‌شود همه دردسرهایی را که سال پیش تحمل کرده‌ایم فراموش کنیم و دوباره راه بیفتیم برویم نمایشگاه تا دوباره پشت دستمان را داغ کنیم و با خودمان عهد ببندیم که اگر کلاهمان هم آن دور و برها بیفتد به دنبالش نخواهیم رفت و از خیرش خواهیم گذشت. اما دوباره یک سال بعد، همه چی یادمان می‌رود، کفش و کلاه می‌کنیم و راه می‌افتیم می‌رویم نمایشگاه و پی همه چی را به تنمان می‌مالیم: هجوم جمعیت، ترافیک، به دنبال جای پارک گشتن و جنگ اعصاب. اگر ماشین داشته باشی، یک جور. اگر نداشته باشی، یک جور. یک عالمه باید پیاده‌روی کنی تا خودت را برسانی به درهای ورودی و بعد توی محوطه باید آن قدر بچرخی تا سالنی را که دنبالش می‌گردی پیدا کنی و بعد در ازدحام جمعیت توی سالن نفست بند می‌آید، تنه می‌خوری، تنه می‌زنی و دم غرفه‌ها یا این که هیچ کتاب تازه و به درد بخوری پیدا نمی‌کنی یا این که اگر پیدا می‌کنی، فشار جمعیت اجازه نمی‌دهد خودت را برسانی به پیشخوان و کتابی تماشا کنی یا ورق بزنی. تو رفته‌ای آنجا کتاب تماشا کنی و ورقی بزنی. نرفته‌ای کتاب بخری. و حتی تماشا هم به این مفتی‌ها دست نمی‌دهد. ورق زدن که بماند. بهترین قسمت ماجرا آن زمانی است که توی محوطه می‌چرخی و دنبال سالنی می‌گردی که دنبالش می‌گردی: هوای خوب، فواره، چمن... و عده زیادی که اینجا و آنجا بساطی پهن کرده‌اند و نشسته‌اند کنار هم و دنبال هیچ چی نمی‌گردند... و چه خوب است که تو هم دنبال هیچ چی نگردی و بی‌خیال باشی. هرچه بیشتر بگردی، کمتر پیدا می‌کنی... توی سالن‌ها ازدحام جمعیت کلافه‌ات می‌کند... هوا کم می‌آوری... تهویه‌ها خوب کار نمی‌کنند... از این غرفه به آن غرفه حواله‌ات می‌دهند و از این سالن به آن سالن... هرچه نزدیک‌تر می‌شوی به کتاب، فشار جمعیت و سر و صدا و هیاهو بیشتر است و هوا کمتر و هرچه دورتر می‌شوی از کتاب، آرامش بیشتری داری. خودم را می‌رسانم به هوای آزاد و نفس عمیقی می‌کشم. عجب هوای محشری! درست در همین لحظه، فکر بکری به نظرم می‌رسد. نمایشگاه کتاب تهران دوتا مشکل اساسی دارد و تا وقتی که این دوتا مشکل حل نشود، در به همین پاشنه می‌چرخد که مشاهده می‌فرمایید: تا وقتی که نمایشگاه در بهترین زمان ممکن و در بهترین مکان ممکن برگزار می‌شود، همین آش است و همین کاسه. معلوم است وقتی که هوا خوب است و نه سرد است و نه گرم و وقتی که در فضایی به این دلبازی و در کنار آب و چمن می‌شود چندساعتی را به گشت و گذار تلف کرد، همه کس از همه جا خودش را به اینجا می‌رساند و چنین قیامتی به پا می‌شود. پیشنهاد می‌کنم نمایشگاه را ببرید یک جای خیلی پرت، نمی‌گویم کجا، فقط جایی باشد که ماشین‌رو نباشد و تا نزدیک‌ترین آبادی فاصله زیادی داشته باشد، تا مشتاقان کتاب مجبور باشند به خاطر رسیدن به مقصد، ساعت‌ها پیاده‌روی، صحرانوردی یا حتی کوهنوردی کنند، و زمان برگزاری هم منتقل بشود به گرمترین یا سردترین روزهای سال: ناف تابستان یا ناف زمستان. دل‌انگیزترین سرگرمی را در بهترین زمان ممکن و بهترین مکان ممکن برای ملتی که هیچ تفریح بهتری ندارند درست کرده‌اید و آن وقت انتظار دارید که ترافیک نباشد و جنگ اعصاب نباشد و جای پارک هم به راحتی بشود پیدا کرد؟ زهی خیال باطل!

نمایشگاه‌گردی

کارگردان‌هایی که به تلویزیون می‌روند

حسین یاغچی: در روزهای اخیر خبرهایی از حضور کارگردان‌های سینما در تلویزیون به جهت ساخت سریال منتشر شد. از جمله این کارگردان‌ها می‌توان به نام‌هایی همچون ابراهیم حاتمی‌کیا، فریدون جیرانی، کمال تبریزی، رسول صدرعاملی و... اشاره کرد. انتشار این‌گونه خبرها در سینمای ایران معمولاً یک واکنش مشترک دارد و آن، مقایسه چنین وضعیتی با سینمای دنیا است که در آن معمولاً کارگردان‌ها درگیر تولید پروژه‌ای تلویزیونی نمی‌شوند و اگر هم درگیر شدند سرپرستی و مدیریت تولید کل مجموعه را برعهده می‌گیرند و خود را درگیر جزئیات پروژه نمی‌کنند. ناگفته پیداست که چنین وضعیتی، نشانگر ضعف ساختارهای سینمای ایران است که در آن کارگردان‌ها، دیگر چندان جذابیتی در ساخت یک فیلم نمی‌یابند و وقتی را که قرار است برای تولید یک فیلم بگذارند صرف ساخت یک سریال می‌کنند و اگر سریال‌سازی از هر جهت (اعتباری و...) برای‌شان ضرر به همراه داشته باشد، حداقل از لحاظ مالی به نفع‌شان است و ضررهایی را که در سینما عایدشان شده، جبران می‌کند. در این میان باید به این نکته توجه داشت اگر در سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ تقابل سینما و تلویزیون جدی جلوه می‌کرد، در سال‌های میانی دهه ۸۰ اما این فاصله‌ها به طور کامل برداشته شده و البته، رفع این فاصله‌ها نه در معنای مثبت آن‌که در معنای منفی اتفاق افتاده است. سینمای ایران در ساختارهای کلان خود به ساختار سازمانی دولتی چون سازمان صداوسیما نزدیک شده است. سازمانی که در آن تهیه‌کننده به معنای واقعی وجود ندارد و کسانی که نام تهیه‌کننده را یدک می‌کشند، بیشتر مجری طرح هستند تا تهیه‌کننده. البته این ساختار به ساختاری متعارف برای سازمانی چون صدا و سیما به شمار می‌رود. اما وقتی این شیوه در عمل، به‌عنوان الگو برای سینمای ایران تجویز می‌شود و سینماگران نیز تا حدود زیادی به آن تن می‌دهند، آن وقت باید از نابودی کامل ساختارهای صنعتی سینمای ایران سخن گفت. به فهرست شباهت‌های سینمای ایران با تلویزیون دولتی حضور مدیران تلویزیون در این عرصه را هم اضافه کنید تا پازل تکمیل شود. همان‌طور که در مدیریت بر سینمای ایران احتیاجی به تغییر شیوه مدیریت تلویزیونی نیست؛ در عرصه فیلمسازی در این سینما هم دیگر نباید تفاوتی میان نگاتیو و ویدئو قائل شد.

نگاه روز

هوای تازه

لیلا نصیری‌ها: می‌دانید یکی از مهمترین ویژگی‌های یک مجموعه داستان چه می‌تواند باشد؟ اینکه وقتی آن را باز می‌کنی، چشم‌ات به چندتایی نویسنده جدید بیفتد که تا به حال چیزی از آنها نخوانده‌ای و آن وقت است که انگار مترجم کتاب تو را به یک ضیافت با حضور آدم‌های جدید و اتفاقات جدید دعوت کرده باشد. حتماً برایتان چنین ضیافت‌هایی پیش آمده، فقط باید سر صبر آن را مزه‌مزه کرد تا شیرینی‌اش کاملاً بر دل بنشیند. خب، «خوبی خدا» همین ویژگی را دارد. این مجموعه داستان دست‌پخت تازه امیر مهدی حقیقت است، ۹ داستان از شرمن الکسی، هاروکی موراکامی، پرسیوال اورت، الیزابت کمپرفرنج، ریموند کارور، الکساندر همن، مارجوری کمپر، گیب هادسون و جومپا لاهیری. سه‌چهارتایی از این نویسنده‌ها را به هر حال کم و بیش در ایران می‌شناسیم. اما این مجموعه چند داستان درجه یک دارد که کیفیت‌اش همان آشنا شدن با غریبه‌های جذاب است. اگر بخواهیم خط مشترکی برای داستان‌های این مجموعه پیدا کنیم، باید از همان شیوه خطی داستان‌گویی آمریکایی نام ببریم و البته آدم‌هایی که هرکدام به نوعی درگیر برقراری ارتباط با آدم‌ها و دنیای دور و برشان هستند. می‌شود واقعاً رفت و برگشت‌های عاطفی و کش و قوس‌های روانی و حسی آدم‌ها را مولفه اصلی داستان‌های امروز آمریکا به حساب آورد. خب، از میان این قصه‌ها، داستان‌هایی هست که تاثیر بیشتری بر آدم می‌گذارد- البته خواننده با خواننده هم فرق دارد و یکی از حسن‌های مجموعه داستان هم همین است- و اگر بخواهم نام ببرم می‌توانم بگویم همین قصه «خوبی خدا» که عنوان مجموعه هم از آن آمده، «تعمیرکار» و «زنبورها، بخش اول» جزء همین دسته است. از کنار قصه «شیرینی عسلی» هم به هیچ‌وجه بی‌اعتنا نمی‌گذرم. به اسم هاروکی موراکامی ـ که یک کم عجیب و غریب است- اصلاً نگاه نکنید، داستانش به همان شیرینی اسم‌اش [شیرینی عسلی] است. می‌گویند موراکامی استاد روابط و شخصیت‌های پیچیده و عجیب و غریب است. می‌گویند، خط داستان‌هایش چندان پیچیدگی ندارد، اما شخصیت‌های لایه لایه‌اش آدم‌ها را خیلی به فکر فرومی‌برد. خب «شیرینی عسلی» هم همین ویژگی را دارد؛ داستانی خوش‌خوان از روایت یک عشق ناکام، پایانش را خودتان بخوانید. حقیقت در طول شش سال این داستان‌ها را جمع‌آوری کرده، می‌توانسته داستان‌های دیگری را در این مجموعه بگذارد، اما انتخاب‌هایش نشان از وسواسش دارد، وسواس برای انتخاب داستان خوب.

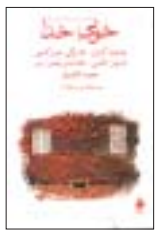

خواندنی‌ها

کرگدن‌نامه

ایران، تهران، جردن، شرق، صفحه آخر، کرگدن

سیدعلی میرفتاح

نامه‌ها را داخل پاکتی گذاشتم و پاکت را زیر بغل زدم و رفتم مجمع قلندران. توی این فکر بودم که چه کیفی خواهم کرد وقتی که نامه‌ها را بخوانم و ببینم یکی از آن سر دنیا مرا رفیق خود پنداشته و برای من چیزهایی نوشته که حتی به خانواده‌اش و به محرم‌ترین دوستانش نگفته و ننوشته است. یاد روزهایی افتادم که در «مهر» خروارخروار برایم نامه می‌رسید و من با ذوق و شوق همه را می‌خواندم و پاسخ می‌دادم. پاسخگوی زهوار دررفته مهر چنان رفقای یکدل و یکرنگی برای خود پیدا کرده بود که هنوز هم که هنوز است- در روزگار تنهایی و بی‌کسی و بی‌حالی- از همان توبره نامه‌ها می‌خورد و به عشق و محبت همان رفقای ندیده، روزگار می‌گذراند... گفت: «با اینا زمستونو سر می‌کنم/ با اینا خستگیمو در می‌کنم» قلندران که چشمشان به نامه‌ها افتاد، هر کدام داد سخن از توانایی‌های قلمی و نثری خود دادند و از هم سبقت گرفتند تا مسئولیت پاسخ به نامه‌ها را به عهده بگیرند. معمولاً مرا تاب درافتادن با پیرمردان نیست و در این مدت کرگدن‌نامه، شما شاهد بوده‌اید که من همیشه کوتاه آمده‌ام و همیشه حرف و خواسته ریش‌سفیدان را بر حرف و خواسته خودم ترجیح داده‌ام. اما این یک‌بار را- لااقل برای یادآوری روزهای پرخاطره مهر- کوتاه نمی‌آیم و بسته‌های نامه را به هیچ‌کس نمی‌دهم. روزهای سختی در راه است، سخت‌تر از امروز و من برای اینکه بتوانم امروز و روزهای سخت نیامده را بگذرانم، باید توشه و آذوقه‌ای مهیا کنم... چه توشه‌ای و چه آذوقه‌ای بهتر از نامه‌هایی که از دوستان ندیده از گوشه و کنار عالم به دستم می‌رسد؟ می‌گویند ارواحی که با هم انس و الفتی داشته‌اند و به اقتضای دار وجود از هم جدا افتاده‌اند و بیگانه می‌نمایند، می‌گردند و می‌گردند تا یکدیگر را پیدا کنند. دوری و نزدیکی به فاصله نیست. گاه معاشر روح ناجنسی هستی که صحبتش عذاب الیم است و گاه آن را که به ظاهر نمی‌شناسی، چنان با تو انس و الفتی دارد که می‌پنداری تکه‌ای از روح تو است که در تن او خانه کرده است. نامه‌نگاری از مد افتاده است. حالا دیگر کسی برای کسی نامه نمی‌نویسد و مردم امور خود را، حتی امور عشقی و دلی خود را، با ای‌میل و اس‌ام‌اس و چت و ویس‌چت و تلفن و از این قبیل می‌گذرانند.

حالا دیگر در هیچ خانه‌ای و در اتاق هیچ پسر و دختری جعبه‌ای مملو از نامه‌های زرد شده و معطر به خوشبوترین عطرهای جهان و مزین به هزاران نقش و رمز و اشاره که چون گنجینه‌ای گرانبها نگه داشته شود، پیدا نمی‌کنی. در عوض هر کس در دل «اور دیناتور» خانگی خود «این‌باکسی» دارد که مملو از حروف فینگلیش و سمبل‌های نرم‌افزاری و تصاویری بی‌اصل و نسب است که هیچ نیست مگر پیکسل و هیچ نیست مگر میلیاردها صفر و یک.

من با کامپیوتر درنمی‌افتم- غالباً این قدرم عقل و کفایت باشد. اما فکر می‌کنم کامپیوتر خیلی جاها نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای رفتار بشری باشد. در این ستون جا به اندازه کافی ندارم تا توضیح بدهم که منظورم چیست، اما همین قدر از من بپذیرید که هیچ بخشی از این دنیای مجازی، هرگز قادر نخواهد بود که جای «نامه» را به مفهوم سنتی آن پر کند. کجا این پیکسل‌های با نظم و ترتیب قادر خواهند بود همان حسی را منتقل کنند که دستخط دلداری- یا که دلداده‌ای؟ نامه‌ها مثل خطوط کف دست هر کدام با دیگری فرق دارند و هر کدام حقایقی و اسراری از نگارنده خود در لابه لای خطوط و بین جملات پنهان ساخته‌اند. روی نامه‌ها می‌شود جای اشک چکیده را دید و لرزش دست نویسنده را حس کرد. دست که روی نامه بکشی می‌فهمی چه خبر است.

نامه‌ها را می‌شود بو کرد، به چشم مالید به سینه چسباند و یا آتش زد و خاکسترش را به باد داد. نامه را می‌شود ریزریز کرد، یا در صندوقچه‌ای پنهان کرد برای روزهای سخت‌تری که نیامده اما آیا شما مطمئنید که ای‌میلی را که دیلیت می‌کنید، در همان سطل زباله‌ای رفته که گوشه دسک‌تاپتان گذاشته‌اید؟ یک وقت فکر نکنید من دشمن نامه‌های اینترنتی هستم، نخیر. اما فکر می‌کنم فاصله نامه کاغذی با نامه اینترنتی همان فاصله‌ای است که من روسیاه با اجداد طاهرینم دارم. من کجا؟ آنها کجا؟ ای‌میل کجا؟ نامه‌ها کجا؟ بیچاره پستچی‌ها که جز قبوض مالی و اداری و کاتالوگ‌های تبلیغاتی و اخطاریه‌های حقوقی چیز دیگری که محتوای عشق، دلتنگی، مهر و دوستی باشد در توبره ندارند... بگذریم. اینها را نوشتم تا بدانید چرا نامه‌ها را به پیرمردها ندادم و چرا این قدر مشتاقم که خودم یک‌تنه مخاطب نامه‌هایتان باشم...

شما- از سر لطفی که داشته‌اید- برای من ای‌میل‌های زیادی فرستاده‌اید که سعی کردم ولو با اندکی تاخیر همه را پاسخ بدهم. اگر پاسخی از من دریافت نکرده‌اید بدانید که ای‌میل‌تان به این باکس من راه نیافته و یحتمل در فضایی که نمی‌دانیم کجاست سرگردان مانده است. البته بسیاری از ای‌میل‌ها هم به دلیل اینکه برای میرفتاحی با یک T سند شده به دست من نرسیده و احتمالاً به سراغ فامیل من رفته که او هم البته حوصله نداشته تا نخوانده فورواردش کند. یادتان باشد که من میرفتاح با دو تا T هستم که البته چندان اهمیتی ندارد. در این مملکت هفت تا T هم کاری از پیش نمی‌برد، چه برسد به دو T.

به هر حال این را عرض کردم که بگویم مدار مکاتبات ای‌میلی به همان روش